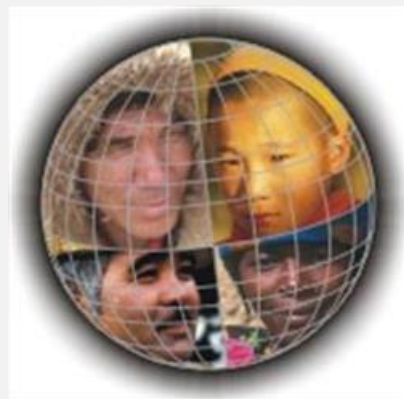


آسیب شناسی جهانی سازی یا مدل جهانی گرایی مهدویت

«جهانی گرایی»، پدیده ای جدی، جاری و فراگستر در عرصه کنونی و دهه های فراروی است.



خبرگزاری مهر- «جهانی گرایی»، پدیده ای جدی، جاری و فراگستر در عرصه کنونی و دهه های فراروی است. در رهیافت اسلامی-قرآنی، روایی و علمی-سیاسی، سه گونه جهان گرایی وجود دارد، جهان گرایی راستین و کامل و هم مادی و معنوی، جهان گرایی ناقص و نارسا و صرفاً اقتصادی و تک ساحتی و جهانی گرایی کاذب و سلطه جویانه و تنازعی.

پیشرفت و گسترش جهانی تکنولوژیک دانش فنی، ابزاری و صنعتی، به سان هر فرایند دیگر، یک سری فرصت های سرنوشت ساز و یک سری تهدیدهای بس خطرناک و ویرانگر را فراهم کرده و فراروی جامعه جهانی، جهان اسلام و ایران اسلامی قرار داده است. سازندگی و کسب مادی از سویی، و تخریب، قدرت تهدید کنندگی و سلب آرامش معنوی و روحی از دیگر سوی، از ارکان اصلی این فرصت ها و تهدیدها است. به ویژه تحول شگفت انگیز، انفجاری و انقلاب گونه در بخش فن آوری و شبکه جهانی ارتباطات، اطلاعات، تبدلات و از جمله تولید، ترابری و حمل و نقل و سهولت، سرعت و شدت بسیار فزاینده و بلکه دم افزون این جریان های جهانی، زمینه همگرایی جهانی را به مراتب بیش از پیش فراهم ساخته است.

همین جریان همگرایی جهانی نیز به سان هر پدیده و جریان سیاسی و اجتماعی دیگر، باز فرصت ها و تهدیدهای خاص خود را در بر دارد و پیامدهای خود را در پی خواهد داشت؛ اما مسلم است که این شرایط، جهان گرایی را از آرزو، به امیدی دست یافتنی، از گزینه و فضیلت، به گزیر و ضرورت اجتناب ناپذیر، و از آرمان دورنما، به عمل و تحقق، سخت نزدیک و نزدیکتر ساخته است و می سازد؛ فرایندی که تمام بخش ها، ارکان و نهادها و حتی نیروهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جهانی، ملت ها و دولت ها را تحت تأثیر و حتی تحت الشعاع خود قرار داده و بیش از پیش قرار خواهد داد. خیلی غیر طبیعی نیست که برداشت ها و انگیزه های متفاوت و گاه متعارضی در پیگیری پرسه و بلکه پروژه و طرح جهانی گرایی، شکل گرفته و در جریان باشند؛ نگرش ها و گرایش هایی در طیف و پیوستاری از اشکال گوناگون همگرایی جهانی، از همکاری جهانی، در حد میانه و وسط، همبستگی جهانی تا سرحد پیوستگی جهانی در طرف مثبت و حتی وابستگی جهانی تا حد ادغام و همگونگی و یک شکل سازی جهانی، در طرف دیگر و منفی.

بر این اساس مهم ترین راهبردهای جهانی گرایی سه گونه است: 1- جهان گرایی حقیقی و همه جانبه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی

2- جهان گرایی ناقص و نارسا و ناتمام یا تک ساحتی و صرفاً اقتصادی و در نتیجه ظاهری و پنداری

3- جهان گرایی متناقض، ناسازوار، تنازعی و در نتیجه کاذب، توهمی و دروغین.

بدین ترتیب، اکنون سه گونه جهان گرایی در قالب سه راهبرد جهانی، به گونه آمیخته درهم و ناموزون درجریان است.

اول راهبرد جهانی گرایی حقیقی (گلوبالیسم) که ماهیتی فرهنگی دارد و خواهان و در پی همبستگی جهانی است. این جریان بیشتر مطلوب فرهیختگان جهان، و معتقد و مدعای جامعه مدنی جهانی یا مدینه عظمی در اصطلاح فارابی و حتی جمهوری جهانی است. طرح گفت و گوی تمدن های ایران، استقبال و اتفاق آرای جهانی به ویژه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مبین مقبولیت و مشروعیت زمینه ای و فراگیر آن است. این راهبرد صرفاً انتخاب نبوده، بلکه نیاز جدی و جهانی است؛ هر چند ممکن است تا حدود بسیاری این راهبرد، آرمانی، ایده آلیستی، خیال پردازانه و دست نیافتنی به نظر آید یا این گونه گفته و تبلیغ شود.

صد البته، این گرایش، ضمن اینکه دشمنان جدی داشته و دشمنی های لجوجانه؛ هم قدرت طلبان جهانی و هم منفعت طلبان بین المللی و به ویژه صهیونیسم جهانی را به صورت برآمد این دو جریان، رودرروی خویش دارد، تشکل و سازماندهی شبکه ای جهانی طرفداران آن که کم هم نیستند می تواند احتمال و درصد تأثیرگذاری و توفیقات آن را افزایش دهد. تقویت و قوام گرفتن گروه های روشنفکری و فرهیختگی، نهادهای مدنی و از جمله نیروها و نهادهای دینی از قبیل این جی او ها، گروه های اجتماعی و سازماندهی شبکه ای و جهانی آنها می تواند بستر ساز این جریان و تحقق بخش هر چه بیشتر این راهبرد باشد. این گرایش به سبب تأکید بر ساحت معنوی، تمدنی و فرهنگی و فرهیختگی، افزون بر ساحت اقتصادی و توسعه مادی، بیشتر، «جهانی گرایی حقیقی» به شمار می رود. می توان حقیقت جهان گرایی را «جهان داری» و جهان سازی حقیقی دانست.

دوم راهبرد جهانی شدن (گلوبالیستی) که ماهیتی اقتصادی دارد و خواهان و در پی همکاری جهانی است. این جریان، بیشتر مطلوب اقتصاددانان و فن سالاران و سرمایه داران جهانی، و معتقد و مدعای جامعه اقتصادی جهانی یا بازار جهانی آزادسرمایه، کار و کالا و احیاناً نیروهای کار است. جهانی شدن، آمیخته ای از جریان های غیر ارادی و ارادی بوده و خواهان گونه ای تقسیم

کار و منابع جهانی، نظام کار جهانی و تبادلات آزاد جهانی بر اساس مزیت های نسبی مناطق است. این گرایش به سبب تأکید صرف بر ساحت مادی، اقتصادی و توسعه ای و نیز به مناسبت توسعه ابزاری و عدم اهتمام به ساحت معنوی، در نتیجه جزنگر و ظاهر گرا و بنابراین جهان گرایی پنداری یا ظتی شمرده می شود. اتریکو داسال، آن را بازاری سازی و انحصارگرایی بازار نام برده که جریانی کاملاً غیر اخلاقی، غیرانسانی و ارزش زدایی شده، بلکه ضد ارزشی و ضد اخلاقی است.

سوم راهبرد جهانی سازی (گلوبالیزیشن) آمریکایی که ماهیتی سیاسی دارد و خواهان و در پی سلطه، انحصارگرایی و یکه تازی و وابستگی جهانی است؛ جهانی وابسته و وابستگی جهانی به کانون قدرت جهانی یعنی آمریکا در جایگاه رأس هرم قدرت. این جریان بیشتر مطلوب قدرت گرایان و تنازع گران در صحنه جهانی و در عرصه بین المللی و در رأس آنها آمریکا و نو محافظه کاران حاکم بر آن است. اینان معتقد و مدعی جامعه جهانی تک قطبی و سرمایه سالارانه با سلسله مراتب قدرت و سلطه اند. این گرایش به همین سبب و به سبب استفاده از شیوه ها و ابزار نو تحمیق علمی و فرهنگی، تطبیع اقتصادی و تکنولوژیکی به اشکال نو و تحت عناوین کمک ها، همکاری ها مشترک و تبادلات، به ویژه تهدید و ارباب نظامی و امنیتی و براندازی یا اشغال گری و تجزیه کشورها و دولتها، تنازعی و توهمی به شمار می آید؛ به ویژه که از حیث نظری نیز به گونه ای سوفیسم، نیهیلیسم و نسبت انگاری نیازمند بوده، آن را ترویج می دهد.

به همین سبب ها، برخی همانند والراشتاین، دان دریچ ولستی، با نگاهی بدبینانه یا پسی میستی، جهانی سازی را اقتصادی سازی جهان و استثمارگری- استثمار شونگی جهانی می دانند؛ چرا که نظریه آنان به جوهره هژمونیک، تنازعی و هابسی- داروینیستی این فرابرد معطوف شده است؛ فرایندی که در حقیقت، داروینیسم جهانی را ترویج می کند. نظریه سیاست قدرت مورگنتا، نظریه و بلکه راهبرد و دکتترین تنازع تمدن های هانتینگتون، سیاست جنگ صلیبی های همان نو محافظه کاران آمریکایی، اشغال، یکه تازی، یک جانبه گرایی، میلیتاریسم، نظامی گری آنها تحت عنوان مبارزه با تروریسم، از جمله آثار و عوامل تحقق آن است. کتاب و در حقیقت نظریه و راهبرد ثروت ملل آدام اسمیت، فیلسوف و اقتصاد سیاسی دان قرن نوزدهم، چه بسا زیر ساخت نظری این راهبرد و رهیافت آن باشد. پولانی، اسکات گری، هوتن و فرکلا نیز از این فرابرد جهانی سازی، غربی سازی، آمریکایی سازی، و گاه نئو امپریالیسم در قالب نظام نو تک قطبی دهکده جهانی یاد کرده اند.

جهانی گرایی مهدوی، حد اعلا، کامل و کارآمد جهانی گرایی حقیقی و یقینی- جهانی گرایی (حقیقی) جاری؛ حد نسبی، ممکن و میسر جهان گرایی مهدوی است. جهان گرایی جاری، بدی ترتیب، به صورت انتظار فعال، سازنده و پیویای انقلابی، چه بسا قادر باشد زمینه ساز گرایش هر چه بیشتر بدان بوده، زمینه های تحقق آن را تسهیل کند. بر این اساس، تبیین هر چه بهتر جهانی گرایی مهدوی، هم در روشن سازی هر چه بیشتر جهانی گرایی جاری و فراروی، کمک شایان می کند، چنان در روشنگری نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت ها و تهدیدهای دو جریان اثر بخش است و در مواجهه نقادانه و فعال؛ هم با فرایند جهانی شدن اقتصادی و هم با فرابرد جهانی سازی آمریکایی، راهنما و راهگشا خواهد بود.

بررسی آسیب شناسانه جهانی گرایی مهدویت، به ویژه آنکه اساساً هم جهان گرایی پنداری یعنی جهانی شدن و هم جهان گرایی کاذب و تنازعی یعنی جهانی سازی، به سبب غیر و ضد حقیقی و یقینی و غیر و حتی ضد علمی واقعی بودن آنها، مهم ترین آسیب های سیاسی و اجتماعی مهدویت به شمار می روند؛ بنابراین آسیب شناسی آن، اهمیت و ضرورت دارد.

بر این اساس، تبیین آسیب شناسانه مهدویت به ویژه با عنایت به شباهت ظاهری جهان گرایی مهدوی، جهانی شدن و جهانی سازی، در زمینه به ظاهر جهانی شمولی این سه جریان و راهبرد، صورت می پذیرد. در این رهیافت، جهان گرایی مهدوی، جهانی شدن اقتصادی و جهانی سازی آمریکایی به ترتیب؛ جهان گرایی حقیقی، شبه جهانی گرایی و ضد جهان گرایی شمرده می شوند. بر این اساس، یکی از مهم ترین شباهت های مهدویت و فراشدن جهان گرایی مهدوی، با فرایند جهانی شدن و فرابرد جهانی سازی، همان ویژگی جهان گستری و جهان شمولی آنها است. توسعه فن آوری و شبکه جهانی ارتباطات و اطلاع رسانی نیز همان گونه که اشاره شد، به این شبهه دامن زده است؛ اما به طور قطع هم توسعه فن آوری مهدوی، تخریبی نیست و به اصطلاح سبز است، و هم توزیع جهانی آن، غیر عادلانه، تبعیض آمیز و ضد انسانی نخواهد بود. همچنین جهان گرایی مهدوی همان گونه که اشاره شد، جهان گستری و جهان شمولی حقیقی؛ یقینی و جهان دارانه، و جهانی سازی حقیقی است. به تعبیر حکیم فردوسی: «جهان گردد آباد با داد» و نیز «وزان پس جهان یکسر آباد کرد/ همه روی گیتی پراز داد کرد».

همگرایی و همبستگی تا حد پیوستگی جهانی و جهان گستری، همچنین جهانی شمولی در شکل جهان داری بر اساس قسط و عدل، یعنی داد و دهش، ارکان و شاخصه های اصلی جهان گرایی مهدوی و حقیقی شمرده می شوند؛ در نتیجه ضد سلطه و ستم و استثمار و استکبار است؛ بنابراین، جهان گرایی توهمی، تنازعی و جهان خوارانه و در حقیقت، ضد جهانی راهبرد جهانی سازی است. مواردی که بر اساس مدل و نمونه جهان گرایی مهدویت و در آسیب شناسی سیاسی و اجتماعی آن، خود، مهمترین آسیب های دوگانه مهدویت نگری و مهدویت گرایی جهانی و جهان گرایی مهدوی و غیر و ضد آن به شمار می روند.

برگرفته از مجله پرونده موضوعی شماره 22، مقاله آسیب شناسی جهانی سازی با مدل جهان گرایی مهدویت